

دیدگاه

دیپلماسی فرهنگی

«جدایی...»

خسرو طالبزاده

■ در انگاره‌های قدیمی و جهان‌سومی، دیپلماسی از هر نوعی (سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و...) فرآیندی دولت‌محور است و دولت‌هم‌سیاست‌گذار، هم مجری و هم ناظر آن است. دیپلماسی اگر سازوکارهای دستیابی به منافع و اهداف ملی در تعامل با دیگر کشورها باشد، لزوماً این تعامل در سطح دولت‌ها نیست. در نظریه‌های نوین دیپلماسی مشارکتی، کارگزاران در هر صنف و حرفه و گروهی می‌توانند نقش موثرتر و ماناتری در این زمینه ایفا کنند. بسیاری از مواقع ارتباطات و تعامل و مشارکت‌های اقتصادی بازرگانان و تجار مبنای مستحکم‌تر و پایدارتری از روابط و تعامل سیاسی دیپلمات‌های دولتی پی می‌افکنند و برخی روابط در دوران پرتلاهب به دلیل روابط و تعاملات نیرومند و قوی اقتصادی بازرگانان از تلاطم و دگرگونی جدی و مخرب محفوظ و مصون می‌ماند. دوره انحصار تعامل با جهان خارج از مجرای دولت فرو ریخته شده است. نوع دیگری از دیپلماسی به‌ویژه دیپلماسی فرهنگی ظهور یافته که دیگر دیپلمات‌های فرهنگی آن صرفاً رایزنان و سفرای سفارتخانه‌ها نیستند. بنا بر این نظریه که توسط نویسنده آمریکایی میلیون سی کامینگس (Milton c. Cummings) پایه‌گذاری شده، «دیپلماسی فرهنگی عبارت است از: مبادله تصورات، ارزش‌ها، نظام‌ها، سنت‌ها و دیگر جنبه‌های فرهنگ به‌منظور تقویت فهم متقابل»، در این تعریف دیگر دیپلماسی فرهنگی نه می‌تواند در اختیار دولت باشد و نه دولت می‌تواند دیپلمات فرهنگی خوبی باشد زیرا فرهنگ و هنر، امری تخصصی و کارشناسانه و مخاطبان آن هم هنرمندان سراسر جهان است که نمایندگان و فعالان آن هنرمندان و فرهنگ‌پوزران هستند و نه دولتمردان که غالباً مرزی میان فرهنگ و تبلیغات نمی‌شناسند و از کارکرد فرهنگ هم جز خدمت‌گزاری به دولت و مقاصد آنی و سیال دولتی فهم دیگری ندارند. دیپلمات‌های فرهنگی امروز در بیرون دولت‌اند و ترجیح می‌دهند بر مبنای تصور خود از عالم و آدم و زمان، فرآورده هنری و فرهنگی خود را خلق کنند اگرچه این تصور می‌تواند در بخشی با تصور دولتی از عالم و آدم متفاوت نباشد، حداقل در ساخت و پرداخت دولتی امروزه نشان داده و ثابت شده است که دولت دنبال بیشترین نفع سیاسی زودگذر و آنی است و خیلی افق روشن درامذت ندارد.

کودک دیپلماسی فرهنگی و هنری غیردولتی در ایران سال‌هاست که نرم‌رمک به راه افتاده است. مبادله فکر و اندیشه و ارزش‌ها و سنت فرهنگی هنری در حوزه‌هایی مانند کتاب‌های هنری، نقاشی و تصویرگری و کاریکاتور آغاز شده و شکل گرفته است. در این حوزه‌ها و خبرها این روزها زیاد نیستند اما کم هم نیستند. در حوزه نقاشی، فروش تابلوهای هنرمندان برجسته ایرانی در کنار برنده شدن کاریکاتوریست‌های ایرانی در این دوران سرد فرهنگی قابل توجه است. کارکرد این رخدادها و مبادله فرهنگی و هنری ارایه تصویری از انسان و جهان و عالم و آدم ایرانی در دهه‌های اخیر است که گاه با تصویری که دولت‌های ایرانی از عالم و آدم ایرانی ارایه می‌دهد همسو، گاه متفاوت و گاه مخالف است اما حسن بزرگ این وضع، شکل‌گیری رقابت میان دیپلمات دولتی با سفیران فرهنگی و هنری مستقل بر سر تحقق منافع ملی است. اما کودک دیپلماسی فرهنگی امروز در سیمای فیلم «جدایی نادر از سیمین» بالغ‌تر و رشیدتر شده است. این فیلم با گرفتن مشهورترین جایزه سینمایی جهان راهی را نشان می‌دهد که می‌توان بدون دخالت و حتی التفات دولت، راه‌های دشوار و مأموریت‌های ناممکن را تحقق بخشید و چشم دیگر هنرمندان را به جهانی تازه گشود. تاکنون کم نیستند هنرمندانی که چشم به حمایت و دخالت دولت دوخته‌اند و چشم دیگرش یعنی هنر و فرهنگ بدون دخالت دولت بسته بوده است. اما پیام فیلم فرهادی به هنرمندان داخلی این هم هست که اگر نمی‌توان چشم را شست، چشم دیگر را باید گشود. چشم به عالمی که می‌توان با اتکا به هویت و شخصیت ایرانی، راه خود را درون جهان تکنیک، صنعت و ثروت فرهنگی بازگشود و آن قله‌های شهرت را بپیمود راهی به عالم مشهورات جهانی سینما و هنر، بدون آنکه اقتباس کرد و مقلد بود یا تابع و کلیشه‌ای.

اما اسکار فرهادی پیام دیگری داشت. در زمانه‌ای که راه‌های دیپلماسی فرهنگی دولتی هر روز تنگ‌تر و بسته‌تر می‌شود و جهان در سوءاستفاده از فقر فرهنگی و ضعف رسانه‌ای دولت، ستیز جنگ‌طلبانه‌ای را علیه ایران تدارک و سلمان داده است، پیام فیلم «جدایی» مانند پیام اسکار فرهادی، ایستادن تنها در برابر باد تند و خشن جنگ‌طلبی است. سخن ضدجنگ فرهادی در گوش جنگ‌طلبان، اگرچه کم از تیشه فرهاد بر کوه ندارد، اما چون نادر است، چوناً کالایی کمیاب پرازرش است و پرمهر و شاید مفید. دیپلماسی فرهنگی جدایی از هزاران دلاری که خرج دیپلماسی کم‌حاصل دیپلمات‌های رسمی شده و می‌شود، بیشتر به تحقق اهداف فرهنگی و راهبردی ایران در ایجاد فهم مشترکی از آدم و عالم ایرانی کمک کرده است و پربازده و زودبازده‌تر از آن اقدامات نیز هست. دیپلماسی فرهنگی جدایی به راهی می‌رود که همواره سعدی، حافظ و مولوی آن را گشوده‌اند و سفیران فرهنگی حقیقی آن عالم و آدم بوده‌اند و جهان باید آنها را به این عنوان و تبار سفیران فرهنگی امروز و نسل فرهادی‌ها بشناسد و بداند که ایرانی تمدن و فرهنگ خود را همواره درون هجوم‌های مغول‌وار طی کرده و همواره در پی ساختن عالم و آدمی دیگر و از نو بوده است نه تخریب و ستیز.

روایای فراگیر مهاجرت در چین

ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

بیش از ۸۰۰ شرکت فعال در امور مهاجرت در سراسر چین مشغول به کار هستند و شماری از آنها با اس‌ام اس برای «مهاجرت به عنوان سرمایه‌گذاری» تبلیغ می‌کنند. «ژانگ یونگ جون» ۴۱ساله نیز همراه با خانواده‌اش در حال مهاجرت از چین است، او در حالی که پشت میز بزرگ چرمی‌اش در شرکتش که در ساختمانی ۳۰طبقه در پکن قرار دارد نشسته است به نور آفتابی که در بیرون از آن پنجره و از میان آن دود قهوه‌ای به زحمت رویت می‌شود چشم دوخته است. ژانگ قرار است که تا چند هفته آینده زندگی جدیدی را در ونکوور کانادا همراه با همسر و دو دخترش آغاز کند. اقلیت مسلمان اویغور در این کشور و جنبش‌های مردم تبت که بار دیگر با خودسوزی‌های راهبان تبتی در اعتراض به سیاست‌های تبعیض‌آمیز پکن صورت می‌گیرد، نماد و گواه مشکلات عمیق و داخلی جمهوری خلق چین است. اما چین در چند سال گذشته با پدیده دیگری به نام فرار مغزها که آینده چه بسا تبدیل به یک مشکل شود نیز روبرو است. با وجود همه تحولات و رشد اقتصادی، هرساله شمار زیادی از بازرگانان و صاحبان صنایع موفق این کشور به غرب مهاجرت می‌کنند؛ مهاجرتی که علت اصلی آن نگرانی از خوردن دلت‌مردان جمهوری خلق چین است.

با وجود آنکه ظرفیت این محل تکمیل شده است اما هر لحظه بر شمار حاضران افزوده می‌شود و برگزار کنندگان چارهای ندارند جز آنکه برای این سازووردان مسنل‌های بیشتری به سالن بیاورند. خیابان‌های پکن معمولاً بعدازظهر روزهای شنبه آکنده از جمعیتی است که برای خرید از خانه‌ها خارج شده‌اند. اما در این سالان واقع در یکی از آسمان‌خراش‌های تجاری پکن، حاضران در کمال آرامش به سخنان مردی گوش می‌دهند که به گفته خودش می‌تواند آنان را برای رسیدن به یک زندگی جدید کمک کند؛ زندگی جدیدی در فرسنگ‌ها دورتر از خاک چین.

«لی ژائوهویی» ۱۵ساله پروژکتوری را روشن می‌کند و در پشت سر وی تصاویری روی پرده نمایان می‌شود. در آن عکس‌ها گاه او را به عنوان رییس بزرگ‌ترین آژانس مهاجرتی چین و در کنار یکصد کارمندش می‌بینیم و گاه چهره‌های شیرکای تجارهای‌اش در آمریکا دیده می‌شود و گاه تصویر چینی‌های ساکن در شهرهای کوچک و زیبای حاشیه‌ای آمریکا به چشم می‌خورد. از نظر افراد حاضر در این سالن، لی فردی است که می‌تواند مهاجرت از جمهوری خلق چین را با موفقیت‌سازماندهی کند.

بیان صریح و با اعتماد به نفس لی نشان می‌دهد که وی دقیقاً نماینده سبک زندگی غربی است. همان سبکی که حاضران در این سالن در رویای آن هستند. لی در سال ۱۹۸۹ به عنوان یک فیزیکدان تحصیلکرده به کانادا مهاجرت کرد و در آغاز کار در یک شرکت تولیدکننده ریزپردازنده در مونترال مشغول به کار شد. اما به گفته خودش این شغل برای او کسل‌کننده بود و به همین دلیل کارش را عوض کرد و به کمک مدیران و بازرگانان چینی برای فرار از چین مشغول شد. طبیعتاً لی از واژه «فرار» استفاده نمی‌کند زیرا مهاجرت از چین امری غیرقانونی به شمار نمی‌آید چون این مهاجرت‌ها نمی‌تواند از جمعیت ۱/۳ میلیاردی این کشور بکاهد. حتی در میان حاضران این سالن هم کمتر کسی پیدا می‌شود که بخواهد همه پل‌ها برای بازگشت به کشورش را خراب کند زیرا تقریباً همه این افراد در جمهوری خلق چین صاحب کارخانه‌ها و ویلاها و اتومبیل‌های متعدد هستند.

بسیاری از آنان همه موقعیت و ثروت خود را مدیون حزب کمونیست هستند اما برای ترقی بیشتر نیازهای دیگری نیز دارند. به قول چینی‌ها این افراد تازه بعد از آنکه شکم‌شان سیر شد احساس گرسنگی بیشتر می‌کنند؛ نوعی گرسنگی که با زندگی در یک دیکتاتوری تک‌حزبی سیری‌ناپذیر است. این افراد در آرزوی دولت قانون هستند؛ دولتی که از منافع آنان در مقابل خودکلمگی‌های حزب دفاع کند و می‌خواهند از ثروت‌شان در کشورهایی دیگر لذت ببرند؛ جایی که به نسبت کارخانه‌های غالباً کثیف و آلوده چین، زندگی پاک‌تری در جریان باشد. به همین دلیل بسیاری از شهروندان چین تلاش دارند تا تباری خود و خانواده‌هایشان تابعیت کشورهای خارجی و ترجیحاً ایالات متحده و کانادا یعنی تابعیت کشورهای مهاجرپذیر را کسب کنند.

«مهاجرت به عنوان سرمایه‌گذاری» عبارتی جادویی است که آقای لی پشت سرهم برای شنودگانش تکرار می‌کند. او می‌گوید که برای یافتن پروژه‌هایی مناسب برای مشتریان چندین ماه از سال را در آمریکا سفر می‌کند. طرح‌های ساختمانی از جمله بهترین پروژه‌هایی به شمار می‌آید که سرمایه‌گذاران چینی را قادر می‌کند که بتوانند ویزای اقامت طولانی‌مدت برای خود و خانواده‌هایشان کسب کنند. رازداری برای مشتریان آقای لی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است زیرا در صورت رو رفتن پروژه‌ها آن وقت است که رقابتی سخت نه تنها میان مشتری‌ها بلکه با شرکت‌های رقیب شرکت آقای لی نیز آغاز خواهد شد. در حال حاضر

هر چه زودتر از این کشور بروند. به گفته وانگ فکر مهاجرت از زمان به دنیا آمدن دخترش و هنگامی که برای اولین بار توانست چهار دست و پا راه برود به ذهن او و همسرش خطوط کرد: «تاگهان فهمیدیم که این بچه اصلاً دلش نمی‌خواهد در چین بزرگ شود.» وانگ در نظر دارد در اولین فرصت مدارک مهاجرت را به سفارت کانادا تسلیم کند اما به گفته خودش در محل کار در این مورد سکوت می‌کند و با این حال هر روز بیشتر از قبل در این مورد مصمم می‌شود. وانگ در مورد یکی از همکارانش می‌گوید که با زحمت زیاد و هزینه فراوان توانسته است فرزندش را در یکی از مدارس خواص نام‌نویسی کند و به این دلیل به دیگران فقر می‌فرشد. وانگ می‌گوید: «پس عدالت کجا است؟ بچه‌های چینی بدون برخورداری از روابط ویژه نمی‌توانند در نظام آموزشی این کشور شانس داشته‌باشند.»

وانگ نگاهی به دور و اطراف خود می‌اندازد تا مطمئن شود هیچ‌یک از همکارانش در آن نزدیکی حضور ندارد. هنوز هم باید احتیاط کند. حفظ رضایت آنان روز به روز برای وانگ دشوارتر می‌شود. زندگی برای وی هر روز بی‌معنی‌تر می‌شود و این حالت به دلیل نمایش‌هایی است که حکومت هراز‌چندگاهی برپا می‌کند. او به عنوان مثالی در این مورد از انتخابات مجالس محلی در ماه‌های اخیر یاد می‌کند و آن را یک هیاهوی تبلیغاتی پوچ می‌داند: «ما اجازه دادند که رای بدهسیم و این در حالی بود که هیچ‌یک از نامزدها رانمی‌شناختیم.»



عکس: Getty Images

بیشتر همکاران وانگ آماده مهاجرت به کانادا هستند: «اما هیچ‌کدام با من در این مورد حرفی نمی‌زنند.» وانگ در نظر دارد که والدینش را هم به کانادا ببرد زیرا اعتقاد دارد که آنان می‌توانند از مزیت‌های سیستم تامین اجتماعی غرب بهره‌مند شوند.

آقای لی با همان کارشناس مهاجرت درحالی که از آن سمینار احساس رضایت می‌کند در کانپه چرمی دفتر کارش لم داده است. او می‌گوید: «هر بار که رسانه‌ها خبر از موفقیت‌های مهاجران می‌دهند، درخواست‌های بیشتری به دفتر ما می‌رسد.»

حتی بسیاری از کارگزاران حزب کمونیست هم فرزندان‌شان را برای تحصیل به خارج می‌فرستند. یکی از آنان دختر «ژو جین پنگ» معاون رییس‌جمهور چین است که در حال حاضر در دانشگاه هاروارد تحصیل می‌کند. «وو

زیلای» هم از جمله مقامات برجسته حزب است که پسرش را برای ادامه تحصیل روانه هاروارد کرده است. جالب آنکه آقای زیلای هر روز در یکی از پارک‌های شهر حاضر می‌شود و همراه با مردم سرودهای انقلابی می‌خواند!

و از آنجایی که بیشتر فرزندان کارهای حزب کمونیست نیز در رویای آمریکا به‌سر می‌برند، این روزها لطیفه‌ای در چین دهان به دهان می‌چرخد: به دلیل سفر اکثر مقامات حزب به خارج از کشور برای دیدار با فرزندان، سالن بزرگ حزب در جریان کنگره سال گذشته پر از خالی بود!

ژانگ پیش از پاسخ به این پرسش نگاهی به سقف اتاق انتظار می‌اندازد و گویی از اینکه حاضر به انجام این گفت‌وگو شده به‌شدت پشیمان است زیرا کمتر کسی در چین مایل است آشکارا از برنامه‌هایش برای مهاجرت صحبت کند و این مساله در مورد افرادی که در خاک چین در حال ثروت‌اندوزی هستند بیشتر صدق می‌کند.

«کولبال تایمز» بلندگوی ناسیونالیستی حزب کمونیست چین به تازگی در یک نظرسنجی آنلاین نظر کاربران خود در مورد مهاجرت مغزها و ثروت‌ها از کشور را جویا شد. این رسانه در نقل قولی از یک کاربر ناشناس نوشت: «بسیاری از کسانی که مهاجرت می‌کنند خائن به کشور محسوب می‌شوند. هر کس می‌خواهد از چین برود باید ثروت خود را پس بدهد.» و چنین دشنام‌ها و تهدیدهای لفظی است که ترس از بحث در مورد مهاجرت را موجب شده است. به همین دلیل ژانگ تنها در لفافه از این می‌گوید که چرا با وجود همه موفقیت‌هایش به‌دنبال یک زندگی دوم در کاناداست: «در محیطی که قدرت در مورد همه چیز تصمیم می‌گیرد هیچ استاندارد روشنی وجود ندارد و کسی احساس امنیت نمی‌کند»

با این حال حزب کمونیست در سال‌های اخیر صدها میلیون نفر را از فقر نجات داد و با شعار «یک دنیا، یک

رویا» میزبان المپیک ۲۰۰۸ شد و به نوعی ترقی زودهنگام خود به عنوان یک ابرقدرت را جشن گرفت. حتی در سیاه‌ترین روزهای دوران بحران جهانی اقتصاد نیز برخی از سیاستمداران و بازرگانان غربی از حسن تدبیرهای حزب و سیستم اقتدارگرای چین تحسین کردند. اما واقعیت این است که حتی فرزندان آن انقلاب رفاهی چین نیز در رویای آزادی‌های غربی به‌سر می‌برند و بدبینی‌ها به حزب حاکم نه تنها در طبقه مرفه بلکه در میان افراد طبقه متوسط نیز در حال افزایش است.

«وانگ کیانگ» ۳۶ساله یک روز جدید کاری را آغاز می‌کند. او یکی از آخرین افراد فامیل است که هنوز در پکن اقامت دارد. اما وانگ هم می‌خواهد با بقیه افراد خانواده‌اش به کانادا مهاجرت کند. او امروز هم به مدت یک‌ساعت و نیم در ترافیک بوده و حال در آسمان خراش متعلق به شرکت دولتی تلفن نشسته است. وانگ از محبوبیت زیادی میان همکارانش برخوردار است و این شغل می‌تواند تا آخر عمر زندگی او را تامین کند. اما وانگ و همسرش تنها در این فکر هستند که

جهان

نیم نگاه

فیلمی چشم‌نواز برای جهانیان

احمد شیرزاد



■ افتخاری که آقای فرهادی برای ایران کسب کرد، برای ما بسیار غرور‌برانگیز است.

انتخاب سوز و نحوه پرداخت فیلم او به قدری هنرمندانه است که هم توانسته است ارتباط بسیار خوبی با مخاطبان به‌خصوص با جامعه شهری برقرار کند و هم توانسته است در فضای «هوانستن»‌ها عملی شایسته تقدیر انجام دهد. من کار آقای فرهادی را به «هوشتن با مرکب سیاه بر لوح سیاه» تشبیه‌می‌کنم.

اینکه کسی بتواند حرف‌هایی را مطرح کند

که خیلی‌ها نمی‌شنوند، آن هم در فضایی که حساسیت‌ها بسیار شدید است و دایره عمل هنرمند را محدود می‌کند.

احساس شخصی من از فیلم اصغر فرهادی این است که او توانست نشان دهد که انسان چه زمانی می‌تواند به خودش دروغ بگوید و چه زمانی به دیگران؛ و پشت زیبایی‌های ظاهری انسان‌ها چه زشتی‌هایی پنهان است و پشت زشتی‌هایش چه زیبایی‌هایی.

او توانست بگوید که ما ایرانی‌ها یک جامعه انسانی هستیم با پاکی‌ها و زشتی‌ها، نه موجودات درنده‌خویی عاری از عواطف و نه موجوداتی قدسی و سراپا پاکی.

تصاویر فیلم اصغر فرهادی به قدری دیدنی است

که حتی مردم جوامع دیگر آن را به خوبی حس می‌کنند

بنابراین در مجموع این اتفاق را اهدای جایزه‌ای شایسته به یک فیلم شایسته می‌دانم. فرهادی همچنین نشان داد که بسیار باهوش و زیرک است و به خوبی می‌داند که باید با چه زبانی سخن بگوید که به خوبی در سراسر جهان شنیده شود و در هیاهوها و حساسیت‌ها گم نشود.

حرف‌های هوشمندانه اصغر فرهادی به همراه تصویر زیبایی که از مردم ایران به عنوان جامعه‌ای صلح دوست ترسیم کرد، نشان از همین هوش و ذکاوت دارد. شاید اگر به هر کدام از ما چند دقیقه فرصت دهند که در یک تریبون جهانی حرف‌هایمان را به مردم جهان بگوییم، مسلماً نمی‌توانیم بهتر از اصغر فرهادی پیام‌مان را برسانیم. به همین دلیل من به عنوان یک ایرانی به اصغر فرهادی افتخار می‌کنم.

جهیزیهدسینی

سرویس ۱۲ نفره چینی اولیتا

سرویس ۱۲ پارچه مارتا پلاس

زودپز بلما پلاس ۶ لیتر

قیمت از ۵۵۰,۰۰۰ تومان

Ovelina

Belma Plus

Marta Plus

پذیرش نمایندگی فعال

از سراسر کشور

تلفن: ۸۸۵۱۶۰۵۰

خانه، زندگی، دسینی

فقط با گارانتی پرتاب افزار و هولوگرام

www.irandessini.com

www.dessini-shop.com